

شهيد حميد جعفري



ازتباير علی
سمايه جامع سرداران و دوازدهم استان بوشهر

اسماعیل	نام پدر
۱۳۳۸/۰۷/۰۷	تاریخ تولد
بوشهر - بوشهر	محل تولد
۱۳۶۱/۰۸/۱۴	تاریخ شهادت
خلیج فارس	محل شهادت
رزمنده	مسئولیت
پاسدار	نوع عضویت
پاسدار	شغل
سوم راهنمایی	تحصیلات
جاویدالانر	مدفن

زندگینامه

شهید حمید جعفری در تاریخ ۱۳۳۸/۷/۷ در روستای رستمی از توابع استان بوشهر و در خانواده ای مذهبی و دین دار متولد شد.

تحصیلات ابتدائی را در روستای محل تولد خود آغاز کرد و علاقه زیادی به درس و مدرسه داشت بعد از اتمام دوران دبستان برای ادامه تحصیل در دوره راهنمایی عازم بوشهر شد و در مدارس شبانه روزی دوران راهنمایی را سپری کرد تمام دوران تعطیلی خود را از همان کودکی قران می خواند و علاقه فراوانی به تلاوت قران داشت.

شهید جعفری در سن ۱۷ سالگی وارد سپاه بوشهر شدند و از این راه بود که عازم معادین جنگ شدند ایشان در عملیاتهای مختلفی شرکت داشتند از جمله : طریق القدس و حصر آبادان که جان فشانی های زیادی از خود نشان داد و همواره در فکر دفاع از کشور و حفظ استقلال آن بود شهید حمید جعفری سعی می کرد کمتر به مرخصی برود و بیشتر در جبهه حضور داشته باشد و به کشور خدمت کند او می گفت : الان به حضور ما در جبهه بیشتر از خانه هایمان نیاز است و نباید سنگرها را خالی کنیم وی که یکسال و اندی در یگان دریایی سپاه ناوچه دلیر خدمت می کرد در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۴ به دلیل اصابت موشک دشمن بعضی به کشتی حامل وی به شهادت رسید محل شهادت ایشان خلیج فارس (خورموسی) می باشد وی تا کنون مفقودالجسد می باشد ولی در گلزار بوشهر به یاد وی مزاری اختصاص داده اند .

خاطرات

(۱) ویراست اول

«مادر شهید»

حمید در دوران کودکی، بسیار مهربان، مؤدب و دوست داشتنی بود و در سال‌هایی که به مدرسه می‌رفت، همیشه جز ممتازان مدرسه بود. او علاقه‌ی فراوانی به تحصیل و یادگیری علم و دانش داشت و اخلاقش طوری بود که هیچ وقت باعث آزار و اذیت دیگران نمی‌شد.

او قبل از شهادت به برادر خود وصیت کرده بود که بعد از من از پدر و مادرم مراقبت کن! حمید، از همان دوران کودکی، بسیار فعال بود و در همین حال، شیطنتهای خاص خود را نیز داشت.

روزی همسرم (خدا بیامرزش!) بخاطر کاری که حمید انجام داده بود به دنبالش می‌دوید تا او را بگیرد و کتک مفصلی بزند. ولی چون حمید بسیار جوان بود، پدرش نمی‌توانست او را بگیرد. همسرم سه بار حمید را دور روستا دواند ولی موفق نشد او را بگیرد. در همین هنگام یکی دیگر از پسرهایم را گرفت و چون خیلی عصبانی بود، کتک مفصلی به او زد!

حمید با وجود سن کمی که داشت، تعصب خاصی روی اسلام داشت و همیشه به برادرهایش توصیه می‌کرد که راه او را ادامه بدهند و نگذارند کشور به دست بیگانگان بیفتد.

حمید عاشق شهادت بود و خداوند هم بالاخره توفیق شهادت را نصیبش کرد. من افتخار می‌کنم که پسر مرا در راه دین و وطن، راهی که خود انتخاب کرده بود و به حق بهترین راه بود، از دست داده‌ام.

درباره‌ی پدر و مادر شهید

حمید جعفری از پدری به نام «اسماعیل» و مادری به نام «روشن بهمنی» متولد گردید. شغل پدر شهید، ناخدایی و کشاورزی بوده و ایشان از طریق سیر و سفر در دریا امرار معاش می‌نموده‌اند. او در برخی از ماههای سال نیز مبادرت به انجام کار مقدس کشاورزی می‌کرده است.

از کارها و اعمال نیک این بزرگوار، جمع‌آوری پول جهت ساخت مسجد روستا بوده است.

ایشان با توجه به شخصیت و وجهی مثبتی که در بین مردم داشت، از کسانی که صاحب مکتب و ثروت بودند، درخواست کمک جهت ساخت مسجد کرد و در این امر خیر، خود پیشقدم شد و توانست کار را به اتمام برساند.

اسماعیل، خود بانی مسجد شد و تا زنده بود همیشه در کنار مسجد و با مسجد بود.

مادر شهید جعفری نیز هم اکنون (تا زمان تحریر این کتاب) در قید حیات است و داغ فرزند و گذشت ایام باعث شکسته شدن او شده است.

(۲) ویراست دوم

خاطرات مادر شهید حمید جعفری (بیان سجایای اخلاقی و ویژگیهای او از زبان مادر)

شهید حمید جعفری دوران کودکی فردی بسیار مهربان، مؤدب و دوست داشتنی بود و در در سالهایی که به مدرسه میرفت همیشه جز ممتازان مدرسه بود و علاقه فراوانی به تحصیل و یادگیری علم و دانش داشت مادر شهید ادامه میدهد: ایشان اخلاقشان طوری بود که هیچ وقت باعث آزار و اذیت دیگران نمی‌شد و همیشه اطرافیان، دوستان به نیکی از او یاد می‌کنند قبل از شهادت شان به برادر خود وصیت می‌کند که بعد از من از پدر و مادرم مراقبت کن حمید از همان دوران کودکی بسیار فعال بود و در حین حال شیطنتهای خاص خود را نیز داشت روزی مرحوم پدر حمید برای کاری که انجام داده بود به دنبالش می‌دوید تا او را بگیرد و کتک مفصلی به او

بزند ولی چون او بسیار جوان بود به پدرش نمی توانست او را بگیرد سه بار او را دور روستا دواند ولی موفق نشد او را بگیرد در همین هنگام یکی دیگر از پسرهایم را گرفت و چون خیلی عصبانی بود کتک مفصلی به او زد .

حمید با وجود سن کمی که داشت ولی تعصب خاصی به اسلام داشت و همیشه به برادرهایش توصیه می کرد که راه او را ادامه دهند و نگذارند کشور به دست بیگانگان بیفتد . حمید از دوران کودکی هنگامی که تحصیلات دبستان را شروع کرد علاقه زیادی داشت قرآن را نیز یاد بگیرد و بالاخره موفق هم شد و در روزهای تعطیل تابستان همیشه قرآن در دست داشت و می خواند و هر وقت در خواندن برایش مشکلی پیش می آمد از برادرهایش می خواست تا برایش توضیح دهند .

مادر شهید جعفری می گوید :

حمید عاشق شهادت بود و بالاخره خداوند توفیق شهادت را نصیبش کرد و من هم افتخار می کنم که پسر من را در راه وطن ، راهی که خود انتخاب کرده بود و به حق بهترین راه بود از دست دادند .

□□□□

مختصری از مشخصات و زندگی اولیا شهید حمید جعفری

حمید جعفری از پدری به نام اسماعیل و مادری به نام روشن بهمنی متولد گردید .

شغل پدر شهید جعفری ناخدایی و کشاورزی بوده است . ایشان از طریق سیر و سفر در دریا امرار معاش می نمود و در برخی از ایام سال مبادرت به امر مقدس کشاورزی می نمود .

از کارها و اعمال ما تاخر این بزرگوار ، جمع آوری پول جهت ساخت مسجد این روستا بوده است .

ایشان با توجه به وجه مثبتی که داشت از کسانی که صاحب مکتبی بودند درخواست کرد جهت ساخت مسجد اقدام کند که در این امر خیر خود پیش قدم شد و توانست که کار را به اتمام برساند . خود او نیز بانی آن شد و تا زنده بود همیشه در کنار مسجد و با مسجد بود تا جان به جان آفرین تسلیم نمود و در همان مسجد که به نام طاهر زمان شناخته می شود دفن گردید .

مادر شهید جعفری نیز که هم اکنون در قید حیات است و داغ فرزند و گذشت ایام باعث شکسته شدن او شده (تا تحریر این کتاب) خانه دار است و در امورات خانه به عنوان یک پیر با تجربه از ایشان و وجود با برکتش استفاده می شود .

واقعاً مادران شهیدان قابل احترام و تکیه مند . خداوند توفیق دهد که آنها را فراموش نکنیم .



سازمان جامع سرداران و دختران شهید استان بوشهر